سال‌ها قبل؛ یک روز بعد از بازی تاریخی ایران و استرالیا. معلم تاریخ‌مان می‌گفت: «یک روز می‌رسد که روی زانوهای‌تان می‌زنید و برای بچه‌های‌تان از این اتفاق تاریخی می‌گویید.» راست می‌گفت. خاطره آن بازی دورتر و دورتر می‌شود. خیلی از بچه‌های نسل جدید اصلاً خداداد را نمی‌شناسند. با این حال برای نسل ما، نسلی که تا حرفی از آن بازی می‌شود مو به تن‌شان سیخ می‌شود، آن بازی تازگی دارد. صدای جواد خیابانی؛ توی دروازه گفتن‌هایش و غزال تیزپایی که گفت و شد لقب ماندگار خداداد. به بهانه این صعود و بیشتر به بهانه اینکه خداداد دوباره برای‌مان از تاریخ بگوید با او همکلام شدیم.

مصاحبه

جواد رستم‌زاده

یک سؤال شفاف. سخت‌ترین صعود بیشتر می‌چسبد یا سریع‌ترین صعود؟

صعود همیشه می‌چسبد و مهم است. سخت‌ترین صعود شیرین‌تر است و سریع‌ترین صعود پرغرورتر.

خودتان کدام را ترجیح می‌دهید؟

من آدمی هستم که هیچ چیز را راحت و بدون زحمت و سریع به دست نیاورده‌ام. از کودکی برای همه چیز تا آخرین لحظه جنگیده‌ام و آن را به دست آورده‌ام. عادت کرده‌ام به شیرینی سختی‌ها. خیلی با حال و هوای زود صعود کردن و زود رسیدن آشنا نیستم. اما الان خوشحالم که تیم ملی دیگر مردم را برای رسیدن به جام جهانی زجر نمی‌دهد. خوشحالم که بدون دغدغه و فشار عصبی راهی قطر می‌شویم.

حالا این صعود سریع را نتیجه چه چیزی می‌دانید؟

قطعاً همه ارکان تیم ملی در این صعود سریع نقش داشتند. از فدراسیون و سرمربی و بازیکن بگیرید تا هواداران. با این حال من یک عامل دیگر را هم باید یادآوری کنم. مادر گروه ساده‌ای قرار گرفتیم که راهمان را هموار کرد. نه کره جنوبی آن کره زهردار قبل بود و نه عراق آن تیمی بود که موی دماغ‌مان شد. سوریه و لبنان هم از پس ما برنمی‌آمدند. شما آن گروه را نگاه کنید. ژاپن، عربستان و... قطعاً کارمان در آن گروه سخت‌تر بود.

پس معتقدید شانس آوردیم؟

منکر زحمات بازیکنان و سازماندهی تیم ملی نمی‌شوم. ما خیلی موقع‌ها شانس‌هایی اینچنینی داشتیم که استفاده نکردیم. اما این بار هوشمندانه از این شانس بهره بردیم و صعود می‌کنیم.

چند درصد این صعود را متعلق به اسکوچیچ می‌دانید؟

اتفاقاً خیلی از این صعود را مدیون این مربی بی‌نام و نشان هستیم. خودم واقعاً پیش‌بینی این نتایج را با اسکوچیچ نداشتم. او خرابه ویلموتس را با همه فشارهایی که رویش بود، خوب سر و سامان داد. او صبورانه توانست اعتماد بازیکنان را جلب کند و با نتایج خوب اقبال عمومی را هم با خودش همراه کند. اسکوچیچ با دستمزدی خیلی کمتر از ویلموتس و کی‌روش نتایج بهتری از آن‌ها برای‌مان کسب کرد. شما به بازی‌های تیم ملی هم نگاه کنید، متوجه این موضوع می‌شوید که تأثیر اسکوچیچ چشمگیر بود. او تعویض‌های خوبی هم انجام داد و بازیکنان جدیدی را هم کم‌کم وارد بدنه تیم ملی کرد.

به نظر شما اسکوچیچ سرمربی ایران در جام جهانی باشد بهتر است یا سراغ یک مربی نامدارتری برویم؟

اول اینکه فدراسیون با این همه بدهی دیگر توان آوردن مربی بزرگ‌تر و گران را ندارد. هنوز بدهی ویلموتس را نداده‌اند که برای خودشان چاهی دیگر بکنند. در این مدت به اندازه کافی دلال‌ها فدراسیون را با نام‌های بزرگ و اشباع شده تیغ زده‌اند. دوم اینکه از مرام و معرفت دور است که با اسکوچیچ چنین رفتاری را بکنیم. او تیم ملی را از خاک سیاه بلند کرد و احترام را به تیم ملی برگرداند. سوم اینکه بازیکنان تیم ملی هم دیگر با او هماهنگ شده و حیف است که این هماهنگی و احترام از بین برود و دوباره برگردیم سرخط.

اما زمان شما همین رفتار را با ویرا کردند؟

واقعاً اتفاق سیاهی بود. آقایان حتی برای بدرقه او به فرودگاه هم نرفتند. خودشان یک شبه او را سرمربی کردند و خودشان هم یک شبه و بدون دلیل او را کنار گذاشتند و تیم را به طالبی دادند.

شما معتقدید می‌توانیم با اسکوچیچ به صعود از دور گروهی هم خوشبین باشیم؟

باید این اتفاق بیفتد. اگر این اتفاق نیفتد که ما در جا زده‌ایم. بعد از ۵ دوره اگر نتوانیم صعود کنیم که باید در این فوتبال را گل گرفت. الان ۸۰ درصد بازیکنان تیم ملی در اروپا بازی می‌کنند و تجربه و انگیزه خوبی دارند که بتوانند در جام جهانی در خشش بهتری داشته باشند و ایران را به دور بعد ببرند. اسکوچیچ هم مربی بسیاری با انگیزه‌ای است که در این اتفاق می‌تواند نقش پررنگی داشته باشد. او تشنه دیده شدن در جهان فوتبال است.

اساس تیم ملی را لژیونرها تشکیل می‌دهند. پس نقش لیگ در این بین چه می‌شود؟

طبیعی هم هست که سرمربی تیم ملی به لژیونرهایی که در لیگ‌های منظم اروپا و حتی عربی بازی می‌کنند، دیدگاه بهتری داشته باشد. به هر حال آنها هم بهتر تمرین می‌کنند و هم دائماً در شرایط مسابقه هستند. اما در ایران می‌بینیم که نه زمین تمرین مناسبی داریم و نه مسابقات شکل دقیق و مرتبی دارند. همین الان استقلال و پرسپولیس در تهران در به در دنبال زمین تمرین هستند. اما شما در امارات و قطر می‌بینید که چه امکاناتی هست. اسکوچیچ که زمان زیادی برای تمرین دادن ندارد. پس بازیکنان لژیونر برایش در اولویت قرار می‌گیرند. لژیونرها با فضاهای پرفشار بیشتر آشنا هستند. همین امر برای تیم ملی کمک ویژه‌ای است. در تمام دنیا هم این اتفاق می‌افتد.



صعود کردیم چون عراق و کره موی دماغ‌مان نشدند!

عزیزی: اسکوچیچ تیم ملی را از خاک سیاه بلند کرد



مجید بشکار
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸



جواد الله وردی
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸



حمید مجد تیموری
بازیکن تیم ملی ۱۹۷۸